

نقش برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاهها در آفت و یا ارتقای دانش باستان‌شناسی

یوسف فلاحیان

نخواهند داشت.

برای حل مشکل مذکور برنامه آموزش همگانی باستان‌شناسی در مدارس مطرح می‌شود، که هرگاه دو عامل آموزش نیروهای متخصص (آموزش تخصصی) در دانشگاه‌ها و آموزش همگانی در مدارس علمی شود می‌توان تصور کرد که گام‌های اساسی برای ارتقای دانش باستان‌شناسی برداشته شده است.

اما چگونه و با چه روش‌هایی این مسأله محقق می‌شود؟ که می‌توان برشمرد:

۱- آموزش دروس باستان‌شناسی مقدماتی برای دستیابی افراد به نوعی شناخت اولیه، و به دنبال آن پیدایش نوعی انتخاب آگاهانه‌تر برای افرادی که قصد دارند، تا آینده در این راستا فعالیت داشته باشند.

۲- آموزش‌های فوق برنامه در کلیه گروه‌های آموزشی مدارس و در تمامی مقاطع تحصیلی، به منظور آشناسازی افراد با آثار و خصوصاً آن دسته از آثار که دانش آموزان در پیرامون خود با آن‌ها مواجه می‌شوند.

۳- آموزش‌های باستان‌شناسی به زبان ساده در دوران ابتدایی مدارس، که با فرض دور شدن و انصراف از تحصیل برخی دانش آموزان، تعداد بیشتری از اقشار جامعه به اهمیت حفظ آثار آگاهی دارند، و بدین ترتیب افراد بیشتری در رابطه با حفاظت آثار درگیر می‌شوند، که لازمه ارتقای باستان‌شناسی در وهله اول منوط به حفظ شدن آثار گذشتگان است.

به هر حال انجام اقدامات ذکر شده، علاوه بر آن که پیامدهای اساسی و طبیعی نظیر شناخت فراگیر، انتخاب آگاهانه تر رشته باستان‌شناسی و هم چنین شناخت آثار پیرامون را بدنال دارد، پیامد مهم دیگری هم دارد و آن مشارکت و همراه کردن خیل عظیمی از افراد جامعه در راستای حفظ و احیای موارث کهن است، که از یک طرف آن افراد با روش‌های بازدارنده خود و حراست آثار نقش آفرین باشند، و از طرف دیگر با توجه به آگاهی‌های بدست آمده خود مرتکب فناپذیری آثار نباشند.

این جاست که تاثیر و تاءثر مستقیم این عوامل بسترهای مناسب مطالعاتی برای باستان‌شناس فراهم و کمک شایانی در ارتقای دانش باستان‌شناسی خواهد کرد.

بدون شک مقوله پژوهش باستان‌شناسی بدون جلب همکاری عامه مردم، به نحو مطلوب عمل نخواهد شد، و در این راستا یک نوع معرفی و آموزش قبل برنامه لازم به نظر می‌رسد. معمولاً نقش برنامه‌های معرفی و آموزش به عنوان برنامه‌های بعد پژوهشی مطرح شده است، که از بابت معرفی نتایج پژوهش طریقه‌ای درست و منطقی است، لیکن فراهم کردن بستر مناسب پژوهش باستان‌شناسی و حفظ و احیای موارث فرهنگی، معرفی مقدماتی از نوع دیگر را طلب می‌کند.

دانش باستان‌شناسی به خودی خود هدف نیست، بلکه این فعل و شناخت باستان‌شناسانه همانند بسیاری از دانش‌ها اهدافی فراگیر را دنبال می‌کند، که همانا پی بردن به فرهنگ نانوشته گذشتگان است، گرچه کاربرد باستان‌شناسی همانند علوم دیگری نظیر: ستاره‌شناسی خصوصاً برای عامه چندان محسوس نیست، ولی به هر حال باستان‌شناسی نتایج مادی و معنوی زیادی را باعث می‌شود، که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- فراهم شدن بستر مناسب برای تاریخ‌سازی از روی بقایای مادی مدفون و غیر مدفون که از این دیدگاه باستان‌شناسی در ردیف علوم تولید کننده مطرح می‌شود.

۲- هویت‌بخشی به جامعه و امکان شناخت خواست‌گاه گروه‌ها و روند شکل‌گیری و فرهنگ جامعه مورد مطالعه و ارتباط دادن نسل حاضر و آینده با فرهنگ گذشتگان.

۳- شناخت آثار و پی بردن به اهمیت آن‌ها در نتیجه جلب نظر گردشگران و.....

بنابراین نقش برنامه‌های معرفی و آموزش چه در جهت فراهم آوردن امکان باستان‌شناسی و همین‌طور معرفی نتایج باستان‌شناسی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از برجسته‌ترین اقدامات در راستای اهداف فوق‌الذکر برنامه‌های آموزش در مدارس و دانشگاه‌هاست.

از آنجایی که برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها تخصصی بوده، و سال‌های متمادی است که افرادی در این مکان‌ها آموزش‌های تخصصی باستان‌شناسی را فرا گرفته‌اند، و به نوبه خود سهم به‌سزایی در باستان‌شناسی کشور اعم از انجام عملیات باستان‌شناسی و نتایج مربوطه ایفا می‌کنند. لیکن این افراد به هیچ وجه در تحقق مشارکت عمومی جامعه در اهداف باستان‌شناسانه نقش تمام کننده نداشته و